

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پیری میسان - par Thierry Meyssan

برگردان از: حمید محوی

۰۴ اگست ۲۰۱۵

بلند پروازی جنون آسانی که به جنگ داخلی خواهد انجامید

ژوپه، اردوخان، آئن، داعش و حزب کارگران کردستان

از سرگیری فشار و سرکوب کردها در ترکیه تنها نتیجه اجرای ناممکن طرح ژوپه - و - رایت Juppé-Wright در سال ۲۰۱۱ می باشد. در حالی که استقرار داعش در صحرای سوریه و در شهرستان های نینوا و انبار در عراق که اکثرآ سنتی هستند ساده به نظر می رسیده، ولی دریافتند که کنترل جمعیت کرد سوریه ناممکن است. برای تحقق رویای کردستان در خارج از مرزهای ترکیه، رجب طیب اردوخان راه دیگری به جز جنگ داخلی نخواهد داشت.

شبهه ولتر/ دمشق (سوریه) // ۳ اگست ۲۰۱۵



منتشر شده در سال ۲۰۱۳، نقشه رایت عناصری از نقشه ژوپه را به عاریت می گیرد. با این وجود رابین رایت

Robin Wright فراتر رفته و نقشه هانی برای عربستان سعودی و یمن نیز ترسیم می کند.

وقتی حزب اسلامگرای عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۳ در آنکارا به قدرت رسید، اولویت های ستراتیژیک ترکیه را تغییر داد. به جای این که بر اساس توازن نیروها در دوران پسا «طوفان صحرا» عمل کند، رجب طیب اردوخان بلند پروازی تازه ای را در سر می پروراند و بر آن شد تا کشورش را از وضعیت انزوائی که پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی آغاز شد، بیرون بکشد. با اتکاء به تحلیل های مشاورش، پروفیسور احمد داوود اوغلو، می خواست به حل تمام مشکلاتی بپردازد که از قرن گذشته با همسایگانش به حالت تعلیق درآمده بود، و آرزویش این بود که به تدریج به عنصری اجتناب ناپذیر در منطقه تبدیل شود. برای چنین کاری او می بایست به الگویی سیاسی تبدیل می شد و مناسبات خود را با شرکای عرب به شکلی سازماندهی می کرد که اتحادش را با اسرائیل خدشه دار نسازد.

این سیاست با نام کد « صفر مشکل » با موفقیت آغاز گردید و موجب شد که نه تنها ترس آنکارا از پشتیبانی های دمشق در رابطه با حزب کارگران کردستان برطرف گردد، بلکه متقاضی کمک دمشق در مذاکره های مرتبط به خروج از بحران شد. در اکتوبر ۲۰۰۶، حزب کرد آتش بس یک جانبه اعلام کرد و با دولت اردوخان وارد مذاکره شد.

در ماه می ۲۰۰۸، آنکارا مذاکره های غیرمستقیمی را بین دمشق و تل آویو سازماندهی کرد، یعنی نخستین مذاکره ها از دوران رد طرح بیل کلینتون و حافظ اسد توسط ایهود باراک. ولی رئیس جمهور سوریه بشار اسد در پی حمله اسرائیل به غزه در سال ۲۰۰۹، به این مذاکره ها پایان داد.

با توجه به منازعه فلسطین تحقق مناسبات متناسب با تمام دولت های منطقه ممکن نبود، در نتیجه آنکارا حمایت از فلسطینی ها در مقابل اسرائیل را انتخاب کرد، و این دوران داووس Davos و کاروان دریائی آزادی بود. بر این اساس آنکارا از پشتیبانی وسیع مردم مسلمان برخوردار شد و با نزدیک شدن به تهران، در نومبر ۲۰۱۰ تشکیل بازار مشترک ترکیه - تهران - دمشق را پذیرفت، ویزا حذف شد و حقوق گمرکی نیز تا حدود زیادی کاهش یافت. یک بنگاه همکاری برای مدیریت لوله های انتقال گاز تشکیل گردید و تسهیلات دیگری برای مدیریت مشترک منابع آب منطقه نیز راه اندازی شد. این مجموعه همکاری ها به اندازه ای جذابیت پیدا کرد که لبنان و اردن نیز برای عضویت در آن داوطلب شدند. سرانجام می رفت تا صلحی دراز مدت در چشم انداز شامات شکل بگیرد.

در حالی که در سال ۲۰۱۱ انگلستان و فرانسه جنگ مضاعفی را با نظارت ایالات متحده در لیبیا و سوریه به راه انداخته بودند، منطقی بود که ترکیه با آن مخالفت کند. این جنگ ها البته زیر پوشش حفاظت از شهروندان صورت می گرفت و خیلی آشکار بود که چیزی نیست به جز طرحی از طرح های نو- استعماری. علاوه بر این چنین جنگ هایی منافع ترکیه را تهدید می کرد، زیرا لیبیا یکی از همکاران اصلی ترکیه در زمینه اقتصادی بود و سوریه نیز با گشایش بازار مشترک جدید به یکی دیگر از این همکاران اقتصادی ترکیه تبدیل شده بود. تا این که سرانجام همه چیز به هم ریخت...

چگونه انگلستان ترکیه را واژگون کرد

به ابتکار وزیر امور خارجه فرانسه، آلن ژوپه Alain Juppé، به شکل مخفیانه پاریس در مارچ ۲۰۱۱ به ترکیه پیشنهاد کرد که از نامزدی او برای پیوستن به اتحادیه اروپا پشتیبانی خواهد کرد و در حل مسأله کردها نیز به او کمک می کند، ولی به این شرط که ترکیه در کنار آنها علیه لیبیا و سوریه وارد جنگ شود. چنین پیشنهادی از سوی فرانسه کاملاً تازگی داشت، آلن ژوپه وقتی حزب گولیت را مدیریت می کرد و همکار ژک شیراک بود، در آن دوران قویاً با ورود ترکیه به اتحادیه اروپا مخالف بود. ولی، به دلیل محکومیتش به جرم بزهکاری در انگلستان در سال ۲۰۰۵ به امریکا تبعید شد و در شهر کبک درس می داد و هم زمان در پنتاگون دوره آموزشی می دید. پس از گرویدن به مکتب نئو محافظه کار، به انگلستان بازگشت و توسط نیکلا سرکوزی به عنوان وزیر دفاع و سپس وزیر امور خارجه برگزیده شد.

به شکل مابعدی، طرح ژوپه نیات فرانسه را آشکار ساخت : ایجاد کردستان در عراق و سوریه بر اساس نقشه ای که دو سال بعد توسط رابین رایت در نیویورک تایمز منتشر شد و توسط امارات اسلامی (داعش)، دولت منطقه ئی کردستان عراق و همکاران قدیمی صدام حسین در پیوند با برادران مسلمان به اجراء درآمد. پرونده ای که توسط آلن ژوپه و همکار ترک او احمد داوود اوغلو به امضاء رسید، هیچ جای تردید باقی نمی گذارد : انگلستان می خواست در سوریه امپراتوری استعماری را باز سازی کند. علاوه بر این، در بطن جریان های اسلامگرای تروریست رابط هائی

داشت و ایجاد داعش را پیشبینی کرده بود. برای تضمین طرح ژوپه، قطر به شکل گسترده در شرق ترکیه سرمایه گذاری کرد و امیدوار بود که کردهای ترکیه حزب کارگران کردستان را رها کنند.

این طرح تا امروزه شکل سرّی باقی مانده است. اگر پارلمانی های فرانسه یا ترکیه به شکل قانونی موفق به دریافت یک کپی از آن شوند، برای فراخواندن آقایان آلن ژوپه و داوود اوغلو به دیوان کیفری بین المللی به جرم جنایت علیه بشریت کاملاً کافی خواهد بود.

به عکس تصورات و نظریات رایج، بین کردها شکاف های عمیقی وجود دارد. در ترکیه و سوریه، حزب کارگران کردستان با الهام از نظریات مارکسیست لنینیستی همواره از دیدگاه های ضد امپریالیستی دفاع کرده است. در حالی که کردهای عراق از دوران جنگ سرد در پیوند با اسرائیل و از هم پیمانان ایالات متحده بوده اند. این دو گروه به زبان مشترکی حرف نمی زنند و تاریخ کاملاً متفاوتی دارند.

این احتمال وجود دارد که ایالات متحده به سهم خود در سبب پیوندها، ارتقاء الگوی سیاسی ترکیه در جهان عرب را در نظر گرفته باشد و به حزب عدالت و توسعه برای متشکل ساختن احزاب سیاسی مرتبط به برادران مسلمان یاری رساند به شکلی که ترکیه به مرکز خاورمیانه آینده تبدیل شود. به هر صورت، رجب طیب اردوخان در آخرین لحظه از طرح ناتو پشتیبانی کرد و ستاد فرماندهی ایالات متحده برای افریقا را پس از شورش فرماندهی آن به دست گرفت (۱).

آنکارا فوراً ساکنان مصراته در لیبیا را بسیج کرد که اکثراً از نوادگان سربازهای یهودی در امپراتوری عثمانی، ادغام ها، و تاجران بیابانگرد فروشندگان برده سیاه پوست، منتصری ها که از جنبش ترک های جوان پشتیبانی کرده بودند، یک گروه متحد از لیبیائی برای حمله به طرابلس را سازماندهی کرد (۲). هم زمان، آنکارا چندین گردهمایی از مخالفان سوری از اگست ۲۰۱۱ در استانبول برگزار کرد. به طور مشخص، برادران مسلمان با مشارکت نمایندگان گروه های سیاسی مختلف و اقلیت ها شورای ملی سوریه را در ماه اکتوبر تشکیل دادند.

ناتو از تهاجم به سوریه صرف نظر کرد

با توجه به دخالت ناتو در لیبیا، آنکارا به شکل منطقی نتیجه گرفته بود که اتحادیه آتلانتیک به شکل مشابهی در سوریه نیز مداخله خواهد کرد. ولی، با وجود تلاش های متعدد و اردوی تبلیغات بین المللی پی گیر وادار کردن مردم به قیام عمومی و نسبت دادن جنایت علیه توده ها به رئیس جمهور بشار اسد که بتواند اعتماد جهانیان را جلب کند ناممکن بود. خاصه پکن و مسکو به دلیل تجربه تلخی که از لیبیا به دست آورده بودند، سه بار در شورای امنیت در سازمان ملل متحد با قطعنامه ای که مدعی «حفاظت» از جان مردم سوریه در مقابل دولتشان شده بود مخالفت کردند (اکتوبر ۲۰۱۱، فبروری و جولای ۲۰۱۲).

در نتیجه واشنگتن و لندن این طرح را رها کردند، حتی اگر پاریس و آنکارا همچنان به آن باور داشتند و ادامه دادند (۳). هر دو دولت همکاری های نزدیکی را آغاز کردند و از جمله طرح سوء قصد به جان وزیر امور خارجه سوریه ولید معلم و رئیس جمهور بشار اسد را طرح ریزی کردند.

سوء قصد در ریاض به شاهزاده بندر بن سلطان در پاسخ به قتل اعضای شورای امنیت سوریه که در جولای ۲۰۱۲ به وقوع پیوست، موجب یتیم شدن جنبش جهاد طلبان بین المللی شد. گرچه شاهزاده با وجود جراحت هایش زنده ماند، ولی طی یکسال در بیمارستان بستری بود و پس از خروجش نیز هرگز در وضعیتی نبود که بتواند عهده دار نقشی باشد که تا پیش از این به عهده داشت. رجب طیب اردوخان فرصت را مغتنم شمرد تا خود را جانشین او سازد، و با چنین نیتی بود که با یاسین القاضی بانکدار القاعده مناسبات شخصی بر قرار ساخت و او را مخفیانه بارها در آنکارا ملاقات کرد،

و سپس نظارت بر چندین گروه جهاد طلب که برای نخستین بار توسط ایالات متحده، بریتانیایی ها و فرانسوی های سازماندهی شده بودند، را به عهده گرفت.

در جنوری ۲۰۱۳ با مداخله در مالی، بریتانیا از جهاد طلبان سوریه فاصله گرفت و منطقه عملیات نظامی را به ترکیه واگذار کرد، گرچه تعدادی از لژیونرهایش را در محل باقی گذاشت. کمی بعد، امیر قطر، شیخ احمد به فرمان واشنگتن مجبور به کناره گیری شد. واشنگتن از او ناخرسند بود— در مورد افشای روسیه — راه ساده ای را برگزیده بود که علیه منافع اقتصادی ایالات متحده تمام می شد. حتی پیش از این که پسرش شیخ تمیم بن حمد آل ثانی جانشین او شود، عربستان سعودی تأمین مالی اساسی جنگ علیه سوریه را به عهده گرفته بود.

برای بهره مند شدن از این پشتیبانی و به همچنین به دست آوردن پشتیبانی اسرائیل، رجب طیب اردوخان به همه قول می داد که ایالات متحده و توتوهای روس و چین را ندیده خواهد گرفت و ناتو را به سر وقت دمشق خواهد فرستاد. اردوخان از هرج و مرج پیش آمده استفاده کرد و غارت اموال سوریه را سازماندهی کرد، ابتداء کارخانه های شهر حلب پایتخت اقتصادی سوریه را پیاده کرد و ابزارهای ماشینی را به سرقت برد. به همین گونه گنجینه باستانی را به سرقت برد و در آنتاکیه یک بازار بین المللی عتیقه جات راه اندازی کرد (۴). اردوخان هنوز نمی دید که چه اتفاقی در پیرامون او در شرف تکوین است، به کمک جنرال فرانسوی بنوا پوگا Benoît Puga، فرمانده ستاد فرماندهی کاخ الیزه، عملیاتی زیر پرچم دروغین سازماندهی کرد تا اتحادیه آتلانتیک را به جنگ علیه سوریه تحریک کند : بمباران کیمیائی غوطه در دمشق در اگست ۲۰۱۳. ولی، لندن توطئه را فوراً تشخیص داد و از مداخله امتناع کرد (۵).

ترکیه در عملیات پاکسازی قومی و تجزیه عراق و سوریه شرکت کرد که به نام کد « نقشه رایت » « plan Wright » شهرت یافت. حضور سرویس های مخفی ترکیه در گردهمایی های تدارکاتی داعش در عمان توسط انتشار گزارشی به تصمیم حزب کارگران کردستان تأیید شده است. « نقشه رایت » ادامه همان « نقشه ژوپه » که ترکیه را با آن برای ورود به جنگ متقاعد کرده بود. سپس، رجب طیب اردوخان فرماندهی سازمان تروریستی را به عهده گرفت، با تضمین تدارکات نظامی و به همین گونه فروش نفتی که در تصاحب همین سازمانی تروریستی بود.

آنکارا با اضطراب مذاکره های بین واشنگتن و تهران را نظاره می کرد و نگران از توافق صلحی که او را در کنار جاده رها می کرد. اردوخان از سوی ولادیمیر پوتین برای توافق روی طرح لوله های انتقال گاز ترکیش استریم فراخوانده شد که هدفش شکستن انحصار ایالات متحده و دور زدن تحریم های اروپا بود، و او نیز پذیرفت. و بعد شهادتش را دو دستی نگهداشت که آسیبی نبیند، و برای دیدار همکار ایرانی اش شیخ حسن روحانی به ایران سفر کرد. شیخ روحانی نیز او را دلداری داد که نباید از توافقات و روند مذاکره ها هراسی به خود راه دهد. ولی وقتی در ۱۴ جولای ۲۰۱۵ توافق به امضاء رسید، روشن بود که هیچ جایی برای ترکیه در منطقه باقی نخواهد گذاشت.

بی آن که شگفت زده شود، رجب طیب اردوخان روز ۲۴ جولای از سوی رئیس جمهور ایالات متحده اوباما اخطار دریافت کرد که فوراً از لوله های انتقال گاز روسیه صرف نظر کند و به همین گونه نه تنها باید پشتیبانی هایش را از داعش متوقف سازد — که خود او فرماندهی اجرائی آن را پشت پرده خلیفه ابوبکر البغدادی به عهده داشت — بلکه باید علیه تیم گروه تروریستی وارد جنگ شود.

برای افزایش فشار، بارک اوباما در هماهنگی با بریتانیا تهدید کرد که در غیر این صورت ترکیه از ناتو اخراج خواهد شد، گر چه چنین وضعیتی در منشور ناتو پیشبینی نشده است.

پس از اظهار پوزش در دست پاچگی و پس از صدور اجازه برای ایالات متحده در استفاده از پایگاه های انجیرلیک علیه داعش، اردوخان با فرستاده ویژه برای اتحادیه ضد داعش، جنرال جان آلن John Allen، که به خاطر موضع گیری منفی اش در رابطه با توافقات وین شهرت خاصی دارد، تماس گرفت. دو مرد سیاسی در مورد تعبیر مطالب

رئیس جمهور اوپاما به نتیجه رسیدند و آن را به عنوان تشویقی در مبارزه علیه تروریسم تلقی کردند یعنی به شکلی که حزب کارگران کردستان در آن به ثبت می رسید. جنرال امریکائی با عبور از حدود اقتداراتی که به او واگذار شده بود، به بهانه حفاظت از پناهندگان سوری که گوئی در تهدید دولت سوریه به سر می برند، منطقه ممنوعه پروازی را به طول ۹۰ کیلومتر در خاک سوریه در طول مرز ترکیه برقرار کرد، البته در واقع برای به کار بستن « نقشه ژوپه - رایب ». نخست وزیر ترکیه احمد داوود اوغلو از پشتیبانی ایالات متحده در مورد طرح شبکه هابر (تلویزیون ترکیه A Haber) برده برداشت و بمباران علیه مواضع حزب کارگران کرد را آغاز کرد.

جنرال جان آلن پیش از این دو بار موفق شده بود که جنگ علیه سوریه را به درازا بکشاند، در جون ۲۰۱۲ در تبنانی با جنرال دیوید پترائوس David Petraeus و وزیر امور خارجه هیلری کلینتن به نیت تخریب توافقات ژنیو بین واشنگتن و مسکو برای صلح در خاورمیانه. در این توافقات صلح در سوریه نیز پیشبینی شده بود، گرچه سوریه به این گردهمایی دعوت نشده بود، ولی برای نئو محافظه کاران و شاهین های لیبرال قابل قبول نبود.

گروه سه نفره کلینتن- آلن - پترائوس برای تدارک گردهمایی « دوستان سوریه » و بی اعتبار سازی بیانیه ژنیو روی رئیس جمهور جدید فرانسه فرانسوا هولاند و وزیر امور خارجه جدید او لوران فیبوس حساب می کردند.

در بحبوحه اردوی انتخاباتی، رئیس جمهور اوپاما نمی توانست همکارانش را مجازات کند، ولی از فردای انتخاب مجددش، دیوید پترائوس و جان آلن که در یک دام جنسی افتاده بودند، را بازداشت کرد. هیلری کلینتن چند هفته دوام آورد و ناگهان پس از یک «حادثه» از صحنه خارج گردید. سرانجام، تنها پترائوس محکوم شد در حالی که آلن را بی گناه اعلام کردند، باشد تا از این پس کلینتن - مثل ژوپه - خود را برای اردوی انتخاباتی ریاست جمهوری آماده کنند.

گروه سه نفره کلینتن- آلن - پترائوس برای دومین بار در دسمبر ۲۰۱۴ عملیات دیگری را سازماندهی کردند و این بار موفق شدند که گردهمایی مسکو را تخریب کنند. با قول و قرار با برادران مسلمان برای به اجراء گذاشتن « نقشه ژوپه - رایب » اتحادیه ملی سوریه را متقاعد کردند که هر گونه مذاکره برای صلح را مردود اعلام کنند و نپذیرند. در این جا به شکل مختصر یادآوری کنیم که، این بخش از رویدادها نشان می دهد که هدف اتحادیه ملی سوریه تعویض رژیم در سوریه نبود، بلکه تنها می خواستند این کشور و دولت آن را تخریب کنند.

رئیس جمهور اوپاما طی مسافرتش به افریقا از وقایع مطلع شد و رسماً تعهدات جنرال آلن را بی اعتبار اعلام کرد، و حق ترکیه برای مبارزه علیه حزب کارگران کردستان را به رسمیت شناخت، ولی به هر گونه عملیاتی علیه آن در خارج از ترکیه معترض شد. در نتیجه رئیس جمهور اردوخان گردهمایی شورای آتلانتیک را تشکیل داد تا ورود خود را به اتحادیه ضد تروریست، به علاوه واکنش مضاعف ترکیه علیه داعش و حزب کارگران کردستان را اعلام کند. ۲۹ جولای، متفقین به سردی به او پاسخ دادند که در حرکتی که صورت داده از او پشتیبانی خواهند کرد، ولی حق بمباران حزب کارگران کردستان را در عراق و در سوریه برای ترکیه به رسمیت نمی شناسند، به جز در وضعیت تعقیب، یعنی اگر حزب کارگران کردستان از پایگاه های خارجی برای حمله یا عقب نشینی علیه ترکیه استفاده کند.

علاوه بر این، رئیس جمهور اوپاما فرستاده ویژه اش برای سوریه دانیل روبینشتاین Daniel Rubinstein را بر کنار کرد و میکائل راتنی Michael Ratney را به جای او گمارد که در عین حال متخصص خاورمیانه و ارتباطات است. او به طریق اولی مأموریت دارد که حرکات جنرال آلن را تحت نظر داشته باشد.

ترکیه وارد جنگ داخلی می شود

تا امروز، عملیات نظامی ترکیه علیه حزب کارگران کرد در عراق و در سوریه از دیدگاه حقوق بین الملل هیچ توجیه قانونی ندارد. هر دو دولت از حمله به سرزمین خود شکایت کرده اند. از دیدگاه ایالات متحده، حزب کارگران کرد و

ارتش عرب سوریه — یعنی ارتش جمهوری — تنها نیروهای مؤثر در زمین علیه داعش را تشکیل می دهند. از سرگیری جنگ علیه اقلیت کرد گویای خواست حزب عدالت و توسعه برای ادامه «نقشه ژوپه - رایت» است، حتی پس از عقب نشینی جزئی قطر و انگلستان.

با این وجود، یک عنصر بنیادی عمیقاً داده ها را متحول ساخته است: اسرائیل و عربستان سعودی که تا کمی پیش از این هنوز از طرح ایجاد کردستان و سنی ستان در عراق و سوریه پشتیبانی می کردند، از این پس با چنین طرحی مخالف شده اند. تل آویو و ریاض از این پس می دانند که این دولت ها اگر روزی واقعاً به وجود بیایند تحت کنترل آنها نخواهند بود، بلکه تحت کنترل ترکیه قرار خواهند گرفت که بلند پروازی های امپراتوری اش را نیز برای تبدیل شدن به یک غول منطقه ئی پنهان نمی کند.

در چرخشی که خاورمیانه مکان اسرار آمیز آن است، اسرائیل و عربستان سعودی با یکدیگر به توافق رسیده اند که با جنون رئیس جمهور اردو خان مقابله کنند و به شکل مخفیانه از حزب کارگران کرد پشتیبانی کنند، گر چه هویت این گروه با مارکسیسم گره خورده است. علاوه بر این اسرائیل به دشمنان سنتی ترکیه نزدیک شده است، یونان با آلکسی تسپیراس و قبرس با نیکوس آناستازیادیس.

که در این مورد به اشتباه قضاوت نکنیم، رجب طیب اردو خان جنگ داخلی را تنها برای نجات سیاست شخصی اش انتخاب کرده است. در پسا شکستش در انتخابات قانونگذاری و موفقیت در جلوگیری از ایجاد دولت جدید، بر آن است تا مردم ترکیه را به هراس بیندازد به شکلی که یا حزب حرکت کلی (ملی گرا) را وادار سازد که از حزب عدالت و توسعه (اسلام گرا) برای تشکیل دولت ائتلافی پشتیبانی کند، یا انتخابات جدیدی را راه اندازی کند و در آن پیروزمندانه بیرون بیاید.

عملیات ضد تروریستی که می بایستی معمولاً علیه داعش و مردم کرد صورت بگیرد، به شکل انحصاری روی حزب کارگران کردستان و معادل سوری آن متمرکز شده است. بمباران هائی که ظاهراً علیه امارات اسلامی صورت می گیرد هیچ چیزی را از بین نمی برد و تخریب نمی کند. هم زمان اردو خان علیه رهبران کرد صلاح الدین دمیرتاش و فیگن یوکسکداگ پی گرد قضائی اعلام کرده است. دادگستری اولی را متهم کرده است که برای اعمال خشونت آمیز علیه غیر کردها فراخوان داده — موضوعی که احمقانه به نظر می رسد — و دومی نیز به پشتیبانی از کردهای سوریه، شبه نظامیان جمهوری عرب سوریه متهم شده، یعنی از دیدگاه قاضی نام برده ها تروریست هستند.

این جنگ داخلی مشابه جنگ داخلی سال های ۹۰ خواهد بود، بلکه خیلی گسترده تر و مرگبارتر خواهد بود. زیرا ترکیه هیچ متحدی در خارجی ندارد و علاوه بر این سیاست اسلامگرا در جامعه ترکیه شکاف ایجاد کرده است. در نتیجه از این پس مؤسسات ترکیه به پشتیبانی ناتو از یک سو و حزب کارگران کرد به پشتیبانی سوریه از سوی دیگر وجود نخواهد داشت، ولی بخشی از جامعه ترکیه وجود خواهد داشت: لائیک علیه اسلامگرایان، مدرن ها علیه سنت گرایان، علوی ها علیه سنی ها، کردها علیه ترک ها.

پی نوشت های نویسنده :

۱) عملیات علیه لیبیا ابتداء «بامداد اودیسه» نام گذاری شده بود و جنرال کارتر هم Carter Ham به عنوان فرمانده ستاد فرماندهی ایالات متحده برای افریقا فرماندهی این عملیات را به عهده داشت. با این وجود، علیه نقشی که در زمین برای سرنگونی جمهوری عرب لیبیا به القاعده واگذار شده بود اعتراض کرد در حالی که متفقین تنها مدعی حفاظت از شهروندان بودند. در نتیجه او از پست خود برکنار شد و نام عملیات نیز به «حفاظت مشترک» تغییر یافت.

۲) ساکنان بنگازی وقتی استقلال خود را به دست آوردند عملاً از حمله به طرابلس سرپیچی کردند. مصراة توسط مبارزان القاعده سازماندهی شد.

۳) برای دقت بیشتر یادآوری می‌کنم که پاریس در ماه مارچ ۲۰۱۲ پس از سقوط امارات اسلامی در باب عمرو، از جنگ بیرون آمد و لژیونرهای فرانسوی را که در اسارت دولت سوریه بودند آزاد کرد.. ولی رئیس جمهور سرکوزی در ماه می نتوانست در انتخابات دوباره به ریاست جمهوری برسد و فرانسو هولاند در ماه جولای دوباره جنگ را از سر گرفت.

[4] Ville également connue sous les noms d'Antakya ou de Hatay.

[5] Le Premier ministre mit en scène avec le chef de son opposition un débat aux Communes dans lequel les deux leaders se donnèrent la réplique en lisant un même texte. Le Royaume-Uni put ainsi se retirer de la guerre sans avoir à accuser publiquement la Turquie. Les États-Unis lui emboîtèrent le pas.

آدرس متن اصلی در شبکه بین المللی ولتر:

<http://www.voltairenet.org/article188313.html>

Une folle ambition qui tourne à la guerre civile

Juppé, Erdoğan, Allen, Daesh et le PKK